...غروب یک روز سرد زمستانی مرحوم پدرم برای چندمین بار بود از زیارت کربلا می آمد؛ با تنی تکیده وبا رخ زعفرانی. یاد کربلا و دیگر زیارتگاه های عتبات عالیات همه در مصحف سینه، مبثوط و مصوّر بود.. وقتی چمدان سوغاتی را باز کرد، اولین هدیه، زیارتنامه، چاووش نامه و اوراق پرتصویری از آرامگاه شهدا وشرح ماجرای سفربه کربلا بود...

« گلبانگ رحمانی »

مهمترین سفری که درزمان گذشته وامروزه مورد توجه ایرانیان و زائران دلباخته این دیارحسینی شهر اردبیل بود پیوسته آن را از خداوند طلب می کنند زیارت عتبات عالیات است، در آن زمان این سفر معنوی برای زائران شهر اردبیل پر از خاطره های دیدنی، شنیدنی والبته با ناامنی و سختی راه ها همراه بود.. فراهم آوردن این کاروان زیارتی وتامین امنیت آن کار سختی بود،چاووش خوانان که به زبان ترکی «چووش» خوانده می شود، نقش اساسی را در این سفر زیارتی ایفا می کردند.. چاووش خوانان قبل ازاسلام به عنوان جارچی وپیک واعلام کننده اخبار حکومتی درخدمت درباره ایرانی بودند اما بعداز تشکیل مذهب تشیع توسط شاه اسماعیل صفوی درایران بخصوص در اردبیل چاووش خوانی کارکردی کاملا مذهبی به خود گرفت. چاووش خوانان درآئین های سنتی مذهبی شهر اردبیل مانند استقبال از ماه محرم،در سحرگاه هان ماه رمضان وزیارت امکان مقدس حضور فعال و چشم گیری داشتند به‌ ویژه‌ در دوره قاجار درمحلات وآبادی های شهر اردبیل چاووش خوانانی به عنوان یک شغل به حساب می آمد.. در برخی خانواده شهر اردبیل سنت چاووش خوانی ارثی بود و از پدر به پسر می رسید این افراد از کودکی و نوجوانی آشنایی کامل به اشعار مذهبی و مدایح سرائی داشتند و در این حرفه مقدس، چاووش خوانی را طی مقدماتی در کنار چاووش خوان در میدان ها و سفر زیارتی مهارت می یافتند وبا گذشت زمان هر سال به همراه کاروان های زیارتی چاوش خوانی رادرکنار چاوش خوان های دیگر شروع می کردند... شهراردبیل باوجودپربرکت مداحان و هیئت های حسینی وزوار زیارتی، جزومعدود شهر های بود که چاووش خوانان بیشترین کاروان زیارتی را هر سال به زیارت مشهد ،کربلا و نجف می بردند...از جمله چاووش خوان های معروف اردبیل در صد سال اخیر می توان از آنها نام برد می توان به مرحوم رحیم موذزن زاده، مرحوم حاج آقا چاووشی، مرحوم چاووش توکل، مرحوم حاج چاووش کریم ربانی، مرحوم چاووش علی عناصری و مرحوم حسینی مرحوم چاووش سلمان معقولیان را نام برد.. معمولا این چاووش خوانان شال سیاهی را حمایل سینه می کردند و اگر سید بودند شال سبز برگردن می انداختند و طبق سنت بیرق سه گوشه ای در دست می گرفتند.این بیرق سبز رنگ که ابیاتی مناسب با مقصد سفر وتصاویری ازحرمین شریفین یا گنبد و بارگاه عتبات عالیات باخود داشت در میدان های شهر چون میدان شیخ صفی، راسته بازار، جلوی مساجد، کوچه های قدیم این شهر بیرق را بر پا میکردندو با اشعار وصدای خوش در توصیف سه شهر مقدس شیعیان؛یعنی مشهد، کربلا و نجف در عراق و قم می پرداختندوبدین صورت زمان وعبور حرکت کاروان به عتبات عالیات را به عاشقان زیارت اعلام می کردند....در آن زمان، سفرزیارتی طولانی بود و چاووش خوانان زمان حرکت کاروان، اطلاعات لازم سفر زیارتی برای کسانی که در صدد زیارت منتظر این روز بودند در شهر اعلام می کردند تا زوار، بتوانند تا زمان حرکت کاروان زیارتی وسایل لازم مسافرت خود را فراهم کنند،.... به علت طولانی بودن مسیر از کارهای مهم دیگر که چاووش خوانان و زوار قبل از سفرزیارتی باید انجام می دادند،نوشتن وصیت نامه،صاف کردن طلب وادای قرضشان بود... در آخرین روزهای قبل از سفر، طبق سنت، زائران اردبیلی در مسجد محله یا در خانه مجلس الوداع برگذارمی کردند واز دوستان وآشنایان ومیهمانان، حلالیت می گرفتند.... از این روصبح روز قبل حرکت کاروان زیارتی ، شهراردبیل به حالت تعطیل درمی آمد درآن روز بدرقه منحصر به بستگان زائران نمی شدبلکه اکثر مردم برای وداع، التماس دعا و دیدار آخر در خانه زوار جمع می شدند تا طبق سنت، حضور اهالی شهر در بدرقه زوار احترام به خاندان نبوت می دانستند.... در آن روزگار، مسیرحرکت کاروان های زیارتی از اردبیل ازروستای ججین یا داشکسن در جنوب شرقی شهراردبیل بود همچنین کاروان های های که از شهر لنکران می آمدند، در انتهای پل داشکسن متوقف می کردند تا بدرقه کنندگان برای آخرین بار با زوار و بستگان خود خداحافظی کنند.... چاووش خوان در حالی که بیرق در دست گرفته به نشان الدّخیل با آواز بلند و لحن مهیّج اشعاری در مدح شهدای کربلا می خواند و مردم و مشایعت کنندگان را طوری به شوق می آورد که حتی بعضی از بدرقه کنندگان از آنجا به کاروان ملحق می شدند وراه کربلا یا مشهد را در پیش می گرفتند، .... اما درآبادی هاوروستاها دور افتاد کشاورزان بعدازبرداشت منتظر وچشم به راه چاووش خوانان می مانند چاووش خوانان سوار براسب یا پیاده، ازآبادی ها یکی یکی می گذرند وباصدای گرم وپرشورخود ناله سر می داد تا درد فراق و دوری خود و زائران را عاشقانه بیان کنند... صدای دلنشین چاوش خوانان فضای روستا ها را لطف وصفای وصف نشدنی می بخشید وسپس زمان حرکت عبور کاروان از این آبادی ها رابه اهالی می رساند وزائران را سر شوق می آورد،... در آن زمان سفر زیارتی زوار اردبیلی برای مشهد به علت نا امن بودن از مسیر ترکمنستان از طریق کشور شوروی شش ماه طول می کشید چاوش خوانان زوار اردبیلی را ابتدا از راه آستارا به باد کوبه و از آنجا پس از طی عرض دریای خزر باکشتی به تاشکند ودر نهایت به مشهد می رساند....

اما سفر حج برای مردم اردبیل نزدیک یکسال طول می کشید و از طریق بندر طرابوزان در ترکیه صورت می گرفت چاووش خوانان حجاج اردبیلی را طبق زمان بندی تا بندر طرابوزان با شتر یا اسب مرساندند و از آنجا سوارکشتی شده از طریق دریای سیاه وتنگه های «بسفر» و«داردانال» گذشته و با عبور از دریا و حوادث آن در نهایت به مصر می رسیدند و بعد از استراحت از راه بحراحمر درخاک عربستان پیاده میگشتند

طرابزون ، سامسون ، اینه پل ی، استانبول ، قبرس ، رودوس،اسکندریه، قاهره، سوئز، جده، مدینه و مکه.

.اما مسافرت کربلا برای زوار اردبیلی که عاشق امام حسین(ع) هستند حال هوای دیگری داشت مسیر کربلا از خشکی وطولانی بود.مسیر اول روستای کورائیم تنگه ور، میانه ،زنجان ، کرمانشاه بیستون قصر شیرین نجف کاظمین کربلا بود مسیر رفت و برگشت زیارتی یک زائر به کربلا زیارت قبور امامان قریب شش ماه گاهی بیشتر طول می کشید ....در طول این سفر کربلا به علت نا امن بودن مسیر کاروان ووجود افرادی که تنها با چپاول قافله ها و راهزنی در مناطق کوهستانی زندگی می کردند، زوّار برای امنیت جان، حفاظت ازاموال و قافله چاووش خوانی دیگر به غیر از چاووش خوان اصلی به خدمت می گرفتند تا آسوده خاطر به سفرزیارتی خود ادامه دهند این چاووش هارا در اصطلاح عموم قافله سالار یا امیر قافله خوانده می شدند وبرای‌ حفاظت‌ از قافله‌، تفنگ‌ یا شمشیری‌ با خود حمل‌ می‌کردندودر قبال آن هر زائر به تناسب وضع مالی و مقام اجتماعی خود در ازای این خدمات چاووش، مبلغی به چاووشان می پرداختند....چاووش خوانان، درطول مسیر سفره به عنوان راهنمای حرفه ای مسئول تدارکات،محل سکونت قافله، خرید مایحتاج‌، راهنمایی‌ زائران‌ در اماکن‌ زیارتی زمان استراحت و حرکت کاروان از کاروانسراها به شهر یا منزل دیگر را نیز معین می کردند.تا مباد کاروان در زمان مشخص به مقصد نرسد...شب هنگام استراحت چاووش خوان زوار را در کاروانسراهای که قبلا شاختی داشتند، قافله برای استراحت اتراق می کردند در این محل سکونت قافله چووش برای آنها از داستانها اتفاق های تلخ و شیرین سفر زیارتی که قبلا در طول مسیر سفر اتفاق افتاده برای زوار صحبت می کردند تا شب را به روز برسانند ........در طول مسیر کاروان چاووش خوانان،با اشعار زئران را همراهی می کرد اشعار باورها و ارمانهای درونی چاووش خوان دربرمی گرفت .....این چاوش خوانی با مداحی، مولود خوانی ومناجات خوانی تفاوت عمدی دارد...... سادگی توصیفات زیبا عامیانه و در وزن ها و قالب های گوناگون و مشخص قصید یا غزل در چهار مصراع بحر رمل مثمن محذوف رایج بود......در پایان هر بیت یا بند، چاووش خوان زئران رابر حبیب خدا و پیامبر( ص) حاضران به ذکر صلوات دعوت می کرد....در طول سفر اشعار هر سفر زیارتی بر مضامینی تاکید می شد که با مقصد زائران مناسبت داشته باشد و علاوه بر بیان ویژگیهای هر یک از اماکن مقدس بر شکوه بارگاه و مقبره یا مقبره های آن تاکید می شد...

کاروان زیارتی بعد از مدت ها پیاده روی و گذشتن از مسیرهای سخت صعب العبور وقتی به مقصد نزدیک می شدند... و چاووش‌خوان‌، هنگامی‌ که‌ شهر زیارتی‌ و نمای‌ حرم‌ از دور می دیدند مثلاً تپّه ی سلام‌ نزدیک‌ مشهد، می دید، به زائران خبر می داند و زائران از سر شوق هدیه ای به نام گنبد نما به چاووش خوانان پرداخت می کردند.....بعد چندین روز زیارت و گشت گذاردر اماکن مقدس چاووش خوان زمان حرکت کاروان را اعلام می کردند زوار برای وداع آخر راز و نیاز درحرم امام حسین علیه السلام و حرم حضرت ابوالفضل خواندن زیارت نامه ،روضه خوانی راهی حرم می شدند تا برای آخرین بار با امام ....دیدار کنند بعد زوار سوقاتی های خود را می خریدند وآماده سفر به شهر دیار خودشان می شدند....چون سفر برگشت زیارتی بخصوص حج کربلا بیش از چندین ماه طول می کشید در این مسیر طولانی زائری در طول مسیر زیارتی در درگیری با راهزنان یا مرگ طبیعی از دنیا می رفت چون حمل آن مشکل بود،بنابراین کار های کفن و دفن شرعی را چاووش خوان بر عهده داشتند و فرد مومن را در آرامستان های مشخص مسیر دفن می کردند..... چاوش خوان همراه کاروان در انتهای مسیر بازگشت چند منزل جلوتر علم بر دست به شهر و آبادی حرکت می کردند تا بازگشت‌ زائران‌ در بازار و کوچه ها به‌ خانواده ی آنان‌ خبر دهند و «موشتلق» یعنی مژدگانی‌ بگیرند تا مردم و بستگان برای استقبال از زوار آماده شوند....زائران پای پیاده سوار بر اسب شتراز میان مردم می گذشتند وبا خانواده هایشان روبوسی و با جملاتی چون «زیارت قبول» با آنها دیدار می کردند. زوار هم به آنها می گفتند: «خدا به شما هم روزی کند.» این دیدار معنوی و روحانی بسیار دیدنی بود وزائران همراه چاووش خوانی در میان جمعیت به سوی خانه هایشان می رفتند و در مقابل خانه، گوسفندی برای قربانی کردن حاضر بود. زوار در میان دوستان و اهالی محل توقف می کردند و بعد، ذبح انجام می شد و سر قربانی از تن جدا و از میان زوار گذرانده می شد. موقع ورود زائر به منزل، او را با اسپند همراهی می کردند. زائر سه روز در خانه می ماند و مردم دسته دسته می آمدند و قبول زیارت آرزو می کردند و زوار با نهار و شام از میهمانان پذیرای می کردند. در این مهمانی هدیه ای که برای زائر آورده می شد معمولاً عبارت بود از گله قند، شاخه نبات و شیرینی آراسته شده توسط میهمان به عنوان چشم روشنی به خانه زائر آورد می شدو زائر از اتفاق ها و زیارت اعتبات برای میهمان ها تعریف می کردبا برگشت زوار کار چاوش خوانان تمام می شدتا برای سال دیگر خودش را آماده می کرد .....اگرچه امروز دیگر صدای دلنشین چاووشان را درکوچه های شهرمان نمی شنویم ولی در دیار حسینی اردبیل ، شهرها و روستاها و حتی میان عشایر زیارت حضور در مقدس اولیای حق از پر بارترین نمونه های تجلی و نمایش دلدادگی است که زائر عارف دل باخته، پیوسته آن را از خداوند طلب می کند چاووشان برجسته ای که به اصطلاح سینه دفتر هستند واز حافظه قوی خود ترانه های الوداع را به شیوه چاووش می خوانند کم نیستند. وجودشان همواره سالم و زیارت عتبات عالیات نصیب شان باد! فرجام این سخن اینکه: بارلها، نصیب شعیان هر سال، هم نجف، هم کربلا، هم مشهد رضا!

بی شک چاووش خوانی میراث ماندگار و معنوی است و ریشه در هنر و عشق به ائمه اطهار علیهم السلام دارد و با وجود گذشت سالیان متمادی از پیدایش این سنت کهن تاثیرات معنوی و اجتماعی چاووش ها بر هیچ کس پوشیده نیست اما باورمان بر این است که رسم ها و سنت های آیینی در طول زمان احیاء خواهد شد و به شکل ها و صورت های دیگری رخ خواهد نمود... گوی جان شیعیان با صدای چاووشان در اهتزاز است .

چونکه بیز عزم کربلا ایله دوک نصرت حقدن دعا ایله دوک

اوز به گلزار کربلا ایله دوک قوم و قارداش لارین وداعینده

یاد سلطان کربلا ایله دوک ...

بیزه منزل چو بیستون اولدی / یاد احباب و اقربا ایله دوک

.بیستون نان چون کرمانشاه / بیر ایکی گئجه اکتفا ایله دوک

قصر شیرین ده قلعه سبزی ده / اوغری دان خوف و هم رجا ایله دوک

پس سفر خانقینه بیز ایله دوک / بیرگئجه مکث از وفا ایله دوک

حسن عسگری، علی نقی/ بیززیارت شوقنن ایله دوک

نرجسی، هم حلیمه خاتونی / بیر به بیر طوفی از وفا ایله دوک

صاحب الامردن چو رخصت آلیب / قیدوب عزم کاظمین ایله دوک

موسی کاظم و تقی جواد / اولاری قبله دعا ایله دوک

کاظمین دن پلا روان اولدوق / خواهش ارض کربلا ایله دوک

مسیب شطّی نین کناریندن / منزلی کاروانسرا ایله دوک

چون فراتا نظر سالیب باخدوق / یاد مظلوم کربلا ایله دوک

با توصیه چاوش خوانان بعضی از زائران، اسب یا شتر کرایه می کردندویا می خریدند،....ا